

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

نماد در شعر معاصر (اخوان ثالث، شفیعی کدکنی، ابتهاج، بهبهانی)

نگارش:

سجاد فروغی

استاد راهنما: آقای دکتر یدالله بهمنی مطلق

استاد مشاور: آقای دکتر علی اکبر افراسیاب پور

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دی ماه ۱۳۹۱

شماره: ۲-۷۱/۱۲
تاریخ: ۹۲/۲/۳
پوست:



بسمه تعالی

دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی

صور تجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سجاد فروغی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان نماد در شعر معاصر، که در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی برگزار گردید و نتیجه به شرح زیر اعلام گردید.
 قبول (بدرجه بسیار خوب) امتیاز: ۲۰-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۰-۱۰۰۰) دفاع مجدد مردود.

۱ عالی (۱۹-۲۰)

۲- بسیار خوب (۱۸-۱۸/۹۹)

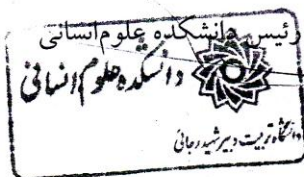
۳- خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

۴- قابل قبول (۱۴-۱۵/۹۹)

۵- غیر قابل قبول (کمتر از ۱۴)

اعضاء	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	امضاء
استاد راهنما	دکتر یداله بهمنی	استادیار	
استاد مشاور	دکتر علی اکبر افراسیاب پور	استادیار	
استاد داور داخلی	دکتر رسول چهرقانی	استادیار	
استاد داور خارجی	دکتر شیرزاد طائفی	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر رضا نجاتی	استادیار	

دکتر غلامعلی احمدی



تهران، لویزان، کد پستی: ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸
صندوق پستی: ۱۶۳-۱۶۷۸۵
تلفن: ۹-۰۶-۲۲۹۷۰ فکس: ۲۲۹۷۰۰۲۲
Email: sru@sru.ac.ir
www.srttu.edu

پیشکش به:

همسرم:

«آسمان نگاهت،

در میان هجوم قفس‌ها،

شوق پرواز این پرشکسته است.

روشن و آشنا چون امیدی،

در دل ظلمت بی‌کرانه ستاره.

ببار ای طراوت که تکرار تو،

طنین حیات است در فصل سرد.»

پسرم: که شکوفه عشق است.

روح پدر،

مهر مادر،

خانواده‌ام،

که این اثر مرهون مهربانی و فداکاری ایشان است.

سپاس

گه ره دیر و گه‌ی راه حرم می‌پویم مقصدم دیر و حرم نیست تو را می‌جویم

هدف آفرینش شناخت خود، خدا و حقیقت پیرامون آن است. هر کس، راهی را انتخاب می‌کند، ما برآنیم تا کتاب جهان را بگشاییم و پرده از اسرار حقیقت (علم)، برداریم و به شناخت و معرفت برسیم. در این راه پر فراز و نشیب، مشکلات فراوانی وجود داشت. قدردان همه کسانی که اندیشه حضورشان، به این حقیر، شوق زیستن، استوار ماندن، امید به ادامه راه و پیشرفت به سوی کمال را می‌بخشید. این مجموعه هر آنچه هست به توفیق الهی گرد آمده و دوستاری و استادی بزرگوارانی که اگر نبود، کمک‌های دمام و بی‌دریغ‌شان، در میانه راه، در می‌ماندم و کار به انجام نمی‌رسید.

از استاد راهنمای بزرگووارم، جناب آقای دکتر یداله بهمنی مطلق که بدون راهنمایی‌های ارزنده و زحمات خالصانه و بی‌دریغ ایشان، چنین امری امکان نمی‌یافت، از صمیم قلب سپاسگزارم و موفقیت روزافزون ایشان را از ایزد منان خواهانم.

همچنین از آقایان، دکتر علی‌اکبر افراسیاب‌پور (استاد مشاور) و دکتر رسول چهرقانی منتظر (مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی و داور داخلی) دکتر شیرزاد طایفی (داور خارجی) نهایت تشکر و قدردانی را دارم و دعا می‌کنم که همیشه بر فراز قلّه‌های سخت زندگی، بال‌هاشان گشوده باشد.

با احترام، سجاد فروغی

چکیده:

نماد برجسته‌ترین و پر رمز و راز ترین تصویر شعری است. نماد بیانگر کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله‌ی موضوعات جزئی است، اما این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جاندارند که ذهن را تسخیر می‌کنند. مقتضیات زمانه، تعهد هنری و بیان غیر مستقیم، سبب شد شاعران معاصر به نماد روی آورند. افزون بر این دیدگاه می‌توان به عوامل دیگری چون؛ آشنایی شاعران با جریان‌های شعری غرب و مکتب سمبولیسم، تغییر دیدگاه و نگرش شاعران به جهان هستی و جامعه و محیط، آفرینش ابهام هنری و عمق بخشیدن به شعر اشاره کرد. در واقع، از هدف‌های کاربرد نماد یا سمبل در شعر شاعران معاصر، خلق بافتی مبهم و شعری عمیق، تأثیر در مخاطب و شرکت دادن او در آفرینش معنای شعر، حرکت شعر از حالت تک‌معنایی به سوی چندمعنایی، و واداشتن خواننده و مخاطب به درنگ و تأمل در معنا و مفهوم شعر است. از این رو این پژوهش به بررسی خاستگاه، ماهیت و کارکرد نماد در شعر چهار شاعر معاصر، مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، امیرهوشنگ ابتهاج و سیمین بهبهانی، می‌پردازد. فصل دوم، نظریه‌ها را از دیدگاه صاحب‌نظران، نقل می‌کند. فصل سوم، انواع نمادها را از قبیل: عرفانی، انسانی، ابدایی، مرسوم، پویا، کلیشه‌ای، خرد، کلان‌نماد، اندامیک. (طبیعی، تاریخی، دینی، اسطوره‌ای، فلکی، موسیقی، جانوری، غیرجاندار) در دفاتر شعری شاعران مورد نظر بررسی، شناسایی و رمزگشایی می‌کند. فصل چهارم، به تحلیل نمادها می‌پردازد. سپس در فصل پنجم، با مقایسه‌ی نتایج، تشابه، تفاوت، تأثیرپذیری، زیبایی‌گرایی، فراوانی نمادها و نوع نمادگرایی شاعران مورد پژوهش، مشخص می‌شود. این پژوهش در نظر دارد اصلی‌ترین ویژگی شعر معاصر، ابهام را برطرف سازد.

کلیدواژه: شعر معاصر، نماد، مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، امیرهوشنگ ابتهاج،

سیمین بهبهانی.

فهرست

عنوان	صفحه
فصل اول	۱
کلیات تحقیق	۱
۱ - مقدمه (پیشینه‌ی نمادگرایی)	۲
۱ - ۲ بیان مسأله تحقیق	۳
۱ - ۳ اهداف تحقیق	۴
۱ - ۴ سؤالات یا فرضیه‌های تخصصی	۴
۱ - ۵ ضرورت و اهمیت تحقیق	۴
۱ - ۶ روش تحقیق	۵
۱ - ۶ - ۱ جامعه آماری	۵
۱ - ۶ - ۲ روش گردآوری داده‌ها	۵
۱ - ۶ - ۳ متغیرهای تحقیق	۵
۱ - ۶ - ۴ روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها	۶
۱ - ۷ کاربرد نتایج تحقیق	۶
فصل دوم	۷
مبانی نظری	۷
۲ - ۱ شعر چیست؟	۸
۲ - ۲ شعر معاصر	۹
۲ - ۳ در آستانه شعر نو	۱۲
۲ - ۳ - ۱ نیما پدر شعر نو (نمادگرایی در شعر معاصر)	۱۳
۲ - ۳ - ۲ ابعاد نوآوری نیما	۱۴
۲ - ۴ تحول تصویر	۱۶

- ۲ - ۵ تحول سبک‌های شعری (پیوندهای عین و ذهن)..... ۱۷
- ۲ - ۶ نماد، سمبل، رمز (تصویر جهان جان)..... ۱۹
- ۲ - ۷ کارکرد تصویر نمادین..... ۲۲
- ۲ - ۸ ماهیت تصویر نمادین..... ۲۳
- ۲ - ۸ - ۱ نماد، نشانه..... ۲۳
- ۲ - ۸ - ۲ نماد، تمثیل..... ۲۴
- ۲ - ۸ - ۳ نماد، استعاره..... ۲۵
- ۲ - ۸ - ۴ نماد، اسطوره..... ۲۵
- ۲ - ۹ نمادگرایی کهن، معاصر..... ۲۶
- ۲ - ۱۰ طبقه‌بندی نمادها..... ۲۷
- ۲ - ۱۱ پژوهش‌های انجام شده..... ۲۸
- ۳۱ **فصل سوم**
- ۳۱ داده‌های تحقیق.....
- ۳ - ۱ مهدی اخوان ثالث (م. امید)..... ۳۲
- ۳ - ۲ نمونه‌هایی از نمادهای موجود در اشعار مهدی اخوان ثالث:..... ۴۰
- ۳ - ۳ محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)..... ۶۶
- ۳ - ۴ نمونه‌هایی از نمادهای موجود در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی..... ۷۴
- ۳ - ۵ امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)..... ۱۰۸
- ۳ - ۶ نمونه‌هایی از نمادهای موجود در اشعار هوشنگ ابتهاج..... ۱۱۴
- ۳ - ۷ سیمین بهبهانی (نیمای غزل)..... ۱۳۶
- ۳ - ۸ نمونه‌هایی از نمادهای موجود در اشعار سیمین بهبهانی..... ۱۴۴
- ۱۶۵ **فصل چهارم**
- ۱۶۵ تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق.....
- ۴ - ۱ مهدی اخوان ثالث:..... ۱۶۵

۱۶۶.....	۲ - ۴ محمدرضا شفیعی کدکنی:
۱۶۹.....	۳ - ۴ امیر هوشنگ ابتهاج:
۱۷۰.....	۴ - ۴ سیمین بهبهانی:
۱۷۳.....	فصل پنجم.....
۱۷۳.....	نتایج و پیشنهادهای.....
۱۷۴.....	۱ - ۵ نتایج.....
۱۷۴.....	۱ - ۱ مهدی اخوان ثالث.....
۱۷۵.....	۲ - ۱ - ۵ محمد رضا شفیعی کدکنی.....
۱۷۶.....	۳ - ۱ - ۵ امیر هوشنگ ابتهاج.....
۱۷۶.....	۴ - ۱ - ۵ سیمین بهبهانی.....
۱۷۸.....	۵ - ۱ - ۵ مقایسه نتایج.....
۱۷۹.....	۲ - ۵ پیشنهادهای.....
۱۸۰.....	۳ - ۵ نمودار.....
۱۸۲.....	منابع و مآخذ.....

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه (پیشینه‌ی نمادگرایی)

زبان نمادین به عنوان یک مکتب ادبی در اواخر قرن نوزدهم میلادی، یعنی کمتر از دو سده است که مورد توجه قرار گرفته و گفته شده که شیوه نگارش آلفرد دووینی به تأسیس مکتب سمبولیسم در ادبیات کمک بسیار کرده است، لیکن مبشر واقعی این مکتب شارل بودلر و پایه‌گذار آن استفان مالارمه و نماینده برجسته آن پل ورن است. این مکتب در روانشناسی با نظریات فروید و یونگ رونق و اعتبار یافت. با این حال این سبک از گفتار در ادبیات کهن ملل گوناگون، اعم از شعر و نثر پدیده‌ای شناخته شده است. کلیله و دمنه، که از جمله کتب هند باستان است، بهترین گواه مدعا به شمار می‌رود. همچنین کتاب‌های هزار و یک شب، سندبادنامه و مرزبان‌نامه در میان ایرانیان، که خود برگرفته از حکایات و تمثیلات ایران باستان است، گواه دیگری بر مدعا می‌باشد. اگرچه ادعا شده است که رمزگرایی، نمود عصیان هنرمندان در برابر مکاتب واقع‌گرایی و وصف‌گرایی بود. این زبان در ادبیات کهن نه تنها برای فرار از واقع‌گرایی، بلکه به عنوان وسیله‌ای راه‌گشا، برای دستیابی به واقعیت‌های هستی به کار گرفته شده است. نمونه بارز آن، اشعار عرفانی سنایی، عطار، حافظ، به ویژه «مثنوی معنوی» مولوی است. پیشینه و سابقه شعر نمادین و رمزی در ادبیات فارسی به آثار منثور صوفیه باز می‌گردد؛ آثاری چون کشف‌المحجوب هجویری و مرصادالعباد نجم‌الدین رازی... نمادپردازی در حوزه مفاهیم اجتماعی و سیاسی، نه تصویر تجربه‌های اعماق بلکه تصویر تجربه‌ای بیرونی (مانند اختناق، ظلم و ستم، جهل و نادانی اجتماعی، مظلومیت) است که در جان شعر لانه می‌کند، ناخودآگاه وی را به بازی می‌گیرد و تبدیل به یک طوفان درونی می‌شود. آن‌گاه این حالت در قالب یک تصویر محسوس احساسات و دریافت‌های درونی شخص را در خود جمع می‌کند و آنها را هماهنگ می‌سازد و از اعماق

روح شاعر همچون شکوفه‌ای شکفته می‌شود. شکوفه‌ای که عمیق و مبهم است. و درکش مستلزم درنگ، تأمل، تعبیر و تأویل است. نمادگرایی شعر معاصر، با نیما آغاز شد، اخوان، شاملو، فروغ و سپهری، در گسترش و رونق آن گام‌های بلندی برداشتند و هم‌اکنون شفיעی کدکنی نماینده برجسته این مکتب است.

۱-۲ بیان مسأله تحقیق

نماد سخن گفتن غیر مستقیم از چیزی است که گوینده نمی‌خواهد یا نمی‌تواند آشکارا از آن سخن بگوید. نماد به عنوان یک اصطلاح ادبی، واژه‌ای است که افزون بر معنای قراردادی و آشکار روزمره و قاموسی خود، دارای معانی دیگر نیز باشد، یا در معناهای دیگر نیز فهمیده شود. در کاربردهای نماد از سوی هنرمند، هیچ قرارداد عرفی پذیرفته نیست؛ اما اغلب نشانه‌های ابداعی هنرمند، از سوی دیگران پذیرفته می‌شود و به مرور زمان به صورت یک اصطلاح، در زبان و فرهنگ یک ملت ماندگار می‌گردد. با وارد شدن مضامین سیاسی - اجتماعی و روان‌شناسی در شعر معاصر، نمادها بیش از پیش، ناخودآگاه جمعی و شعر شعرا را در بر گرفت. ما برآنیم تا در این پژوهش بیاندیشیم چرا در سخن پارسی، زمستان، نماد حکومت ستمگران شده و چرا بهار، یادآور روزگار آزادی است؟ چرا تاریکی و شب، پادشاهی اهریمن را فریاد می‌آورند و بامداد و خورشید و روز روشن، توانمندی نیروهای اهورایی را نشان می‌دهند؟ پیوند شب، تاریکی، سیاهی، زمستان، سرما، دی، برف، ابر، دیو و مار با حکومت ستمگرانه چیست و خورشید، روشنی، گرما، باران، بامداد، خروس، بهار، گل، سبزی با آزادی و آرامش چه پیوندی دارند؟ این پژوهش در نظر دارد انواع نمادها را شناسایی کند؛ (نمادهای عرفانی، انسانی؛ ابداعی، مرسوم؛ پویا، کلیشه‌ای؛ خرد، کلان‌نماد، اندامیک. طبیعی، تاریخی، دینی، اسطوره‌ای، فلکی، موسیقی، جانوری، غیرجاندار...) و به ابهام‌زدایی آنها بپردازد. تغییر، تحول، تشابه، تفاوت، مقایسه و بسامد نمادها را در اشعار شاعران معاصر: مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفיעی کدکنی، امیر هوشنگ ابتهاج و سیمین بهبهانی بررسی کند.

۱-۳ اهداف تحقیق

۱. رمز‌گشایی شعر و شناسایی انواع نمادها در شعر شاعران مورد نظر.
۲. بررسی تغییر و تحول نمادها، خاستگاه، ماهیت و کارکرد آنها در شعر شاعران مورد نظر.
۳. نمادشناسی و نمادگرایی اجتماعی در شعر معاصر و زیبایی‌شناسی نمادها.
۴. تفاوت نمادهای کهن و نو در شعر شاعران مورد نظر.

۱-۴ سؤالات و فرضیه‌های تخصصی

۱. سبب‌گرایش شاعران معاصر به نماد چیست؟
۲. میزان کاربرد نمادها در شعر شاعران مورد نظر چگونه است؟
۳. تا چه حد نمادهای کهن در شعر شاعران مورد نظر کاربرد دارد؟
۴. تا چه حد نمادها در شعر شاعران مورد نظر تغییر و تحول یافته است؟
۵. نماد تا چه حد در شعر شاعران مورد نظر ابهام ایجاد کرده است؟
۶. تفاوت نماد و تصاویر شعری شبیه به آن در چیست؟
۷. از نظر زیبایی‌شناسی، هنری‌ترین نوع نماد، کدام گونه است؟ و بسامد آن چگونه است؟

۱-۵ ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به گرایش شاعران معاصر به نماد و جایگاه ویژه آن در شعر معاصر و ابهام ایجاد شده از این رهگذر، در این رساله تلاش می‌شود با تأویل رمزها، در حدّ توان از شعر نو ابهام زدایی شود.

۱-۶ روش تحقیق

نوع تحقیق و روش بررسی فرضیه‌ها و پاسخگویی به سؤالات، توصیفی، تجربی، تحلیل محتوا، اسنادی، تاریخی و... است.

روش تحقیق به صورت مقایسه‌ای، تحلیلی، اسنادی و مطالعه کتب مرتبط با موضوع می‌باشد به این صورت که ابتدا منابع مورد نظر را مورد مطالعه قرار داده و از آنها یادداشت‌برداری نموده و سپس مطالب را طبقه‌بندی و به تحلیل موضوع پرداخته و در نهایت یادداشت‌ها تنظیم می‌شود.

۱-۶-۱ جامعه آماری

اشعار چهار شاعر معاصر (مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، امیر هوشنگ ابتهاج، سیمین بهبهانی)

۱-۶-۲ روش گردآوری داده‌ها

فیش‌برداری و مطالعه در منابع کتابخانه و مقالات علمی - پژوهشی، اینترنت، مطالعه در منابع مورد نظر پژوهش.

۱-۶-۳ متغیرهای تحقیق

سیر تحول نمادها، عرفانی، انسانی، ابداعی، مرسوم، پویا، کلیشه‌ای، خُرد، گلان‌نماد، اندامیک. طبیعی، تاریخی، دینی، اسطوره‌ای، فلکی، موسیقی، جانوری، غیرجاندار...

۱- ۶- ۴ روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

توصیفی، تحقیقی، تأویل و تعبیر و ابهام‌زدایی، تعیین فراوانی نمادها (نمودار)، مقایسه (تشابه، تفاوت) نمادهای شاعران مورد پژوهش.

۱- ۷ کاربرد نتایج تحقیق

پس از انجام پژوهش قادر خواهیم بود :

۱. مشخص کردن انواع نمادها در شعر شاعران مورد نظر.
۲. رفع ابهامی که از رهگذر نماد ایجاد شده است.
۳. ریشه‌شناسی، رمزگشایی و مقایسه نمادها در شعر معاصر.

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق

۲-۱ شعر چیست؟

با گذشت هزار و اندی سال از بدو تولد شعر دری، هنوز باب تعریف شعر و کند و کاو در رمز و رازهای آن باز است و صاحب‌نظران، منتقدان و گاه هنرمندان به اقتضای حال و مقام و بینش عصر و زمان خود، نسبت به شعر تعاریف گوناگونی ارائه کرده و می‌کنند. ملک‌الشعراى بهار، شاعر و محقق نام‌آور معاصر، در تعریف شعر و تفاوت آن با نظم چنین گفته‌اند:

« شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل / شاعر آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت

صنعت و سجع و قوافی هست نظم و نیست شعر / ای بسا ناظم که حرفش نیست آلا حرف مفت

شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب / باز در دلها نشیند هر کجا گوشی شفت

ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت / وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت »

(بهار، ۱۳۴۵: ج ۲، ۳۴۲)

خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف شعر گفته‌اند: «شعر کلام موزون و مخیل» است. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱) قدما بنیاد شعر را وزن و قافیه و تخیل می‌دانستند لذا وارد مقوله‌هایی مانند زبان، ساختار و الهام و... در شعر نمی‌شدند. شاید روان‌شناسی محدود و تنگ قدما بیش از آن مجال به آنها نمی‌داد که در گوهر شعر توغل بیشتری نمایند. منتقدین جدید از شعر تعریف دقیق‌تری ارائه کرده‌اند و همین باعث شده است که در نقد شعر دست گشاده‌تری داشته باشند. محمد استعلامی معتقدند: «خیال عنصر اصلی شعر است و همین عامل است که شعرهای منثور و سپید این دوره را هم داخل تعریف شعر می‌کند.» (استعلامی، ۱۳۵۹: ۳) رضا براهنی، شاعر و منتقد معاصر، شعر را این گونه تعریف و توصیف می‌کنند: «شعر زاییدهٔ بروز حالتی ذهنی است برای انسان در محیطی از طبیعت، به

این معنی که به شاعر حالتی دست می‌دهد که در نتیجه آن، او با اشیای محیط خود و با انسان‌ها نوعی رابطه ذهنی پیدا می‌کند و این رابطه، به نوبه خود، رابطه‌ای روحی است که در آن اشیا، حالات مطلقاً فیزیکی و مادی خود را از دست می‌دهند و بخشی از احساس و اندیشه شاعر را به عاریه می‌گیرند.» (براهنی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۴۲) «شکل ذهنی، عبارت از محیطی است که شعر در آن حرکت می‌کند و پیش می‌رود و اشیا و احساس‌ها را با خود پیش می‌برد. شکل ذهنی محتوای شعر نیست، بلکه طرز حرکت محتوا است و ارتباطی است که اشیا با یکدیگر در شعر پیدا می‌کنند.» (همان، ۷۴)

شفیعی کدکنی در تعریف شعر می‌گوید: «شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۹۳) در تعریف مذکور پنج عنصر مهم مشاهده می‌شود:

الف- عاطفه، ب- تخیل، ج- آهنگ و موسیقی، د- شکل، ه- زبان و اندیشه شعری و پشتوانه‌ی فرهنگی. شفیعی کدکنی «من‌های شعری» شاعران را به سه نوع فردی، اجتماعی و انسانی (جهانی) تقسیم می‌کند و تلویحاً اذعان می‌دارد که هرچه من شعری، به نوع سوم نزدیک‌تر شود، عاطفه شعر برتر، و هر چه به نوع اول نزدیک گردد، عاطفه شعری فروتر می‌شود. (همان: ۹۴) «سنت‌گرایان در شعر بیشتر به رعایت وزن و قافیه، زبان ساده و دوری از تصنع و عدم مغایرت با دستور زبان فارسی و ترکیب‌های آن توجه کرده‌اند، اما حامیان شعر نو ابهام، مسئولیت هنری، بیان غیرمستقیم، وحدت شکل و محتوا و هماهنگی تصاویر را شرط لازم شعر خوب دانسته‌اند. شعری که طبق دستورالعمل شمس‌قیس ساخته نشود بلکه به سراغ شاعر بیاید. با این وجود وجه اشتراکی بین سنت‌گرایان و نوگرایان وجود دارد و آن برخورداری شعر از صمیمیت، اصالت و لذت‌بخشی است.» (حیدری، ۱۳۷۵: ۳۴) «بزرگان امروز بر این باورند که شعر باید از جوهره زندگی مایه بگیرد و بیشتر حاصل تجربه شاعر باشد تا نتیجه مطالعه و تتبع او در آثار و اشعار متقدمین و شاعران پیش از خود.» (بهمنی مطلق، ۱۳۸۵: ۲) علاوه بر عوامل درون‌متنی که ذکر شد، معیارهای برون‌متنی نقد شعر عبارتند از:

الف - حضور در حافظه تاریخی قوم ب - سطح و تنوع و گستره مخاطبان ج - تأثیر شعر بر فضای عمومی فرهنگ. (زرقانی، ۱۳۸۷: مقدمه)

جامعه گذشته ایران، با شرایط ویژه خود، زیبایی‌شناسی خاص خود را داشت و ادبیات ویژه خود را می‌طلبید؛ اما آن ساختارها، بافتارها و رفتارهای اجتماعی پیشین، امروزه دگرگون شده و در پی آن، شرایط تازه‌ای پدید آمده است. این شرایط تازه، که بسیاری از نمودهای آن در بخش‌های گوناگون جامعه پدیدار شده، فرهنگ، هنر و ادبیات خاص خود را نیز به همراه آورده است.

شعر گذشته فارسی عرصه تکرار مکرر تجربه‌هایی است که شاعر از پیشینیان خود فراگرفته است. و این تجربه‌ها در حوزه مفاهیم کلی و ازلی و ابدی محدود است. به قول نیما: «شعر قدیم ما سوژکتیو است. یعنی با باطن و حالات باطنی سر و کار دارد. در آن مناظر ظاهری نمونه فعل و انفعالی است که در باطن گوینده صورت گرفته، نمی‌خواهد چندان متوجه آن چیزهایی باشد که در خارج وجود دارد.» (نیما، ۱۳۶۸: ۸۸)

شعر معاصر فارسی، در صد سال گذشته، تحولات بسیاری از سر گذرانده و گونه‌های مختلفی از نوآوری را تجربه کرده است. این نوآوری در عرصه‌های مختلف (اندیشه، صورخیال، زبان، شکل شعر، معنا و محتوا و...) پدید آمده است. شعر معاصر ایران، پس از نیما شاهد جریان‌های مختلفی بود؛ از آن جمله:

- «- برخی از شاعران به مضامین سیاسی اجتماعی روی آوردند و جهت‌گیری اصلی آثار آنان به همین سمت و سو بود؛ شاعرانی چون: احمد شاملو، اخوان ثالث، سیاوش کسری و ...
- برخی از شاعران معاصر، بیشتر به حوزه زبان و تکنیک توجه نشان دادند و نوآوری‌های خود را در این حوزه متمرکز کردند؛ شاعرانی چون: هوشنگ ایرانی، احمد رضا احمدی، یدالله رویایی و ...
- برخی از شاعران به سرودن اشعار چریکی و انقلابی روی آوردند و سخن آنان، بیش از آن که بیان هنری باشد، بیانیه‌های مبارزه‌ای بود؛ کسانی چون خسرو گل‌سرخ، سعید سلطان پور و ...
- برخی از شاعران به سرودن اشعاری احساسی و رمانتیک مشغول شدند و خود را به ماندن در همین محدوده راضی کردند؛ شاعرانی چون: نادر نادرپور، فریدون توللی و ...
- کسانی چون سهراب سپهری با درنگ در هستی، به نوعی عرفان روی آوردند و نگاه ویژه خود را

نمایش دادند.» (حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۴)

البته همچون روز روشن است که «نو و معاصر بودن یک اثر - شعر - مشروط به درک موقعیت‌های زمانی - مکانی و اشراف بر پدیده‌ها و عناصری است که به این زمان و مکان به «این جا» و «اکنون» مربوط می‌شود. بدین ترتیب استعاره، تمثیل، عاطفه، تخیل و ... از منشور همین ادراک می‌گذرند. معاصر بودن یک اثر صرفاً در پیوند با القای مفهومی و یا تصویری یک مضمون سیاسی - اجتماعی که فرضاً کارکردی مثبت دارد، مورد نظر نیست، بلکه درک شهودی این مضمون و مضامینی دیگر با حضوری جدید در عرصه زبان، آشنایی‌زدایی از عوامل بیان (تصویر، ترکیب و ...) باعث می‌شود که میزان نو و معاصر بودن یک اثر تا حدی روشن شود. یافته‌های حسی شاعر از مضامین همه زمانی مثل عشق، مرگ و ... نیز اگر بر بستر زمان و مکان و زبانی متحول «شکل» بگیرد چگونه می‌تواند نو و معاصر نامیده شود؟» (باباچاهی، ۱۳۷۷: ۲۳۰)

«شعر نو راستین حاصل نگاهی نو است در همه حال و به همه چیز، حتی آن چه در گذشته کم یا بیش یا به این و آن صورت وجود داشته است، نه صرف وزن و قافیه و آهنگ و لخت‌بندی نو یا کلماتی تازه و یا نهایتاً تصویر مبتکرانه و امثال این‌ها، آنان که شعر نو را تنها از دید یکی یا برخی و حتی همه این‌ها بدون آن نگاه نو به معنای واقعی و جامع کلمه دیدند راه به جایی نبردند. یعنی فقط در ظواهری نو در جا زدند. شعر زمان، نوعی هم‌نوایی و پیوند شعر با تمامی پدیدارهای نو و همه هنرهای عصر جدید است.» (حمیدیان، ۱۳۸۱: ۲۲۹)

اشتیاق به نوگرایی و نوآوری، با آن که بسیار بایسته و پسندیده است، چنانچه خام‌اندیشانه و بی‌ریشه باشد، چه بسا بیهوده و خطرناک ظاهر شود. این اشکال در شعر امروز ایران هم آشکارا نمود یافته است، تا بدان جا که یکی از جدیدترین مدافعان تجدد در شعر امروز فارسی، این دسته از جوانان را نکوهش می‌کند:

«تجدد بهانه‌ای شده تا چند نفر بر بی‌سوادی، بیگانگی و بی‌هوشی خود سرپوش بگذارند. در حالی که تجدد واقعی در ادب، نیازی به این در و آن در زدن ندارد. نیاز دارد به نشستن، عمر صرف کردن، خواندن و نوشتن... ولی کار این جوانان پرمدعای ما به راستی احمقانه شده، در دورانی که جمهور منتقدان و شاعران جهان می‌گویند که یک شعر را فقط یک شاعر نمی‌سازد، بلکه تمام شاعران سلف و